

محل توزیع کتابخانه تربیت

عنوان مراسلات

کتابخانه تربیت

تبریز (ایران)

۲۳ ذی الحجه الحرام ۱۳۲۴

جریده است مصور و به قلم یکبار طبع و توزیع میشود

در ممالک خارجه ۱۵ قران

در سایر ولایات ایران ۱۰ قران

سالیانه در تبریز ۵ قران

هر نمره در تبریز ۳ شاهی

قیمت مشترک

آزاد

۱ ۳۰ ۲ ۴

در این جریده از هر گونه مقالات سیاسی و اقتصادی و علمی و صنعتی و تاریخی و ادبی بحث میشود و هر قسم مقالات سود
و عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزاد است . اجرت اعلانات سطر یک قران در صورت تکرار ده شاهی گرفته میشود



تمثال مبارک و ارث تحت و تاج کیانی و مالک افسر و دییم نوشیروانی بزرگترین سلاطین عصر خود و آئینه
حیات کلیه اسلامیان السلطان بن السلطان محمد علی شاه خلد الله ملک و سلطانه

حقوق قانونی

در این شماره حقوق شخصی را توضیح مینمایم که بچند قسم منقسم می باشد مانند حقوق بین الملل شخصی و تجارتی و مراغه که هر سه کدام را مختصرا بیان مینمایم اول حقوق مدنی که اساس حقوق شخصی می باشد و این شعبه حقوق عمومی یکی را که فرد فرد آن دارد مثل می باشد مثلاً امور خانواده وارث و مالکیت و امثال آن داخل این دایره هستند و دوم حقوق بین الملل شخصی منازعات شخصیه را که از قانون بین الملل رومی میسر بد حل نماید و اداره آن باید در تحت محکمه های ملکی بوده باشد سیم حقوق تجارتی که برای سهولت امر تجارت و پیشرفت صنعت که بالاخره موجب آبادانی ملک است بعضی قوانین مخصوص علیحدّه تنظیم شده که اجرای آنها مانند ضبط مال قلب و نظم داشتن دفاتر تجارتی و غیره داخل حوزه این شعبه میباشد چهارم حقوق مراغه که بموجب آن هر کس در احقاق حق خود هر اقدامی را که صلاح دید آزادانه بموقع احسب بگذارد مجدداً سلسله تجارت را جنبانیده و نظردقت و کلاهی ملی را به این شعبه حقوق منطوف مینمایم که تاکنون در ایران این مسئله غنمه بارشوت و طر فکری فیصله نمیده و باید اصلاح این امر را نیز از لوازم اولیه حیات نمود و ما مورین با مواجب بی طمع در تحت نظارت حکومت ملیّه در سر محکمه مامعین کرد ولی همه این اصلاحات را که شکریم چنانکه نوشته شد بی وجود قانون اساسی نمیتوان از قوه بفضل یاوریم و اگر چه اعضای محترم انجمن مقدس طهران که مشغول ترتیب این امر محتم میباشند همه نوافض را هزار مهثال مامیدانند و ما را نمیرسد که ایشان را راهنما

بکنیم ولی به مقتضای وظیفه ملیّه که گفتن و نوشتن عقاید خیر خواننده باشد یاد آوری مینمایم که بهتر است قانون اساسی در سه جلد ترتیب بدهند جلد اول اشخاص دویم املاک سیم مراغات و مطالب را فصل بفضل یا نمره بنویسند که موجب سهولت گردد و در پرون از دایره این سه جلد که قانون اساسی باشد باید برای هر یکی از کارهای عمده ملکیتی نیز قوانین علیحدّه ترتیب بدهند که ما مختصراً به بیان آنها میپردازیم اول قانون مراغه که وضع رفتار محکمه های عدلیه و حقوق انصارا شامل باشد و دوم قانون تجارتی که وضع تجارت و معامله تجار و سایر امور تجارتی را معین نماید سیم قانون جزائیه و اطلاعات جنایتی که حدود تنبیه و اجزای آنرا مامین میکند چهارم قانون جنگلی که امتیاز همیزم شکنی و میوه چینی و سایر عایدات آنرا که تاکنون بالمره در ایران اندر فراموش شده گان بود تنظیم نماید پنجم قانون معدنی که امتیاز استخراج معادن پر منفعت که در دل خاک با کرد و سنگ هم آغوش مانده اند و عایدات هر یکی برای ادا می قرضه دولت کافی است مقرر مینماید ششم قانون عدالت نظامی که محض حفظ شئونات سربازی که مجاهد فی سبیل الوطن و حافظ آنجا که پاکت تشکیل شده و از قوانین عادی باید مجری باشد بهنتم قانون دانات که بدی رعیت را به ارباب معین نموده و سلوک اورا نسبت به داتی چپاره که محترم ترین اعضای هیئت اجتماعیه باید بشود در دایره قانون مقید مینماید و رسوم سرشکن و حق که خدا و ضابط و مباشر که با مرور استبداد بر آن چپاره گان تحمل شده بود موقوف دارد و باید همه این قوانین نیز مثل قانون اساسی از مضامین

همو فی گذشته و در تمام ایالات ایران در یک نج موقع
اجری گذاشته شود.

نطق حضرت ... حجه الاسلام آقای قاسم محمد در مجلس انتخاب و کلا شیراز

بسم الله تعالی قد اطلع المنومون فی التقاد مجلس المشاوره و فرائق و
عظماء فارسی گوگرچه تازی خوشتر است آقا بان محترم همیشه اوقات
که آید و شاوریم فی الامر را قرائت می نمودم خیال میکردم حال کنونیکه
حضرت احدیت پیغمبر زحمت را امر بشا و ره فرماید بر امت
مرحومه فرض است و در فکر بودم هرگاه ممکن شود مجلس مشا و ره بجهت
مل و عقد بعضی مطالب منعقد نمایم حال از جانب الهی و مرحمت اعلی
حضرت شهریار می این امر خیریه با استدعای حجج اسلامیه
دارا اختلاف عمومیت پیدا نموده خداش خیر دهد هر که این عمارت
کرد و اما قریایات روز گذشته جناب مستطاب حجه الاسلام آقا
آقا میرزا ابراهیم و ترتیبات عاقلانه ایشان در انتخاب و کلاء
همه را خود سندی حاصل و کسی را انکارانی نیست و البته آقا بان
و کلا نیز در فیصله و انجام امور خیریه که نفع اش راجع بدولت و ملت
و عموم رعیت است مجار و مختار هستند و در هر وقت خیر ملت
و دولت را ملاحظه خواهند نمود اگرچه ما با کسی را نداریم که قف
از اوضاع حالیه زمان و ترتیبات کنونی عصر حاضر در تدابیر اعلی
و فعلی و وضع قانون مطلق و پولتیک و ان باشد و اگر هم باشد
اطلاع از او نداریم فقط و کلا و اما در ذیل آیه و افی هدایه میباشند
کنتم خیراته اخر جت للناس یا مرون بالعرف و یننون عن
المنکر و یأرعون فی الخیرات و بر طریقه حضرت نبوی و ارتعائ
اسلام حب الوطن من الایمان را نیکو میدانند اگرچه دوستی وطن

دینی نوع بشر فطری است با شیر و بدن شده با جان پر شود
ولی ضعف و شدت دارد محض حب وطن است که جانها بخت و
خوندار بخت و اموال خود را در طریق پرستش و نرج و از جهه بعین
است انجمن ما ما امروز که دست غیر بدامن ناموس و وطن مقدس
نزد و پرده عصمت او را اجانب ندرند و افساء او را ذلیل و خوار و طوق
بندگی بگردن نگذارند و نقض شرف دولت و ملت نشود با اینکه
کتب تواریخ و انقلابات گذشته اسلاف آینه عبرت و مرآت
نمایش بجهت استقلال امروز ما است اما چه فایده و اثر که نه گوش
شنوایند و دیده عبرت بین از زمان ماضی و حال داریم که از گرفتاری
و شدت مسلمانان آفریقیه و بدبختی انالی هند و سختی مردمان قفقازیه
پند بگیریم و در حفظ استقلال و آزادی خود سعی و کوشش داشته
باشیم غیرت وطن پرستی جبرئیل بود و مدینه الهی عروج نمود و شرف
ملت ستایش می کائیل بود و بملک اروپا رخت کشید و حمیت نوع
پروری و ترقی خواهی اسرافیل بود و به جاپان تشریف بردند فقط غزایل
غفلت نگران حال ما ما بود که میخواست حیات ابدی ما را قفس کند
دست غیب آمد و بر سیننه نامحرم زد و زمانی ما را آسود نداشت
باید وقت را غنیمت شمرده و جنود غفلت را از خود دور کرد و باید که
ملاحظه حال برادران دینی و وطنی خود را نمود که هر روزه بدرین بکران
و مرقومات جبراند هر دم از نو غصه آید بمیل کبادم نه رجال دولت
و نه روسای ملت فکر جلوگیری و تدبیر آسایش خود و آنها و ایر
در این مدت افتادند شنیدیم و خواندیم و روی بزرگوار می نمودند
و پی دینی خائنان دولت خانه و کاشانه ملت و رعیت را بداریم
بخش فروختند با جانب و آنها هم تصرف کردند و ملت مظلوم
از بی خبری تصرفات آنها را از جانب خدا و مقتدر است الهی

بیکدیگر بستند دستی از غیب برون آید و کاری نکند با اینک

همه میدهند صاحب این دست خودش اغلب و اکثر بمقتضای

وقت بدلول جابر الخزاز و المناقین رفتار میفرمود تیشه لشکر

و تدارک سفر و بطرف مقصود حرکت یا جنگ یا صلح یا جذبه مقرر

میفرمود پس احکام و اوامر و نوای را نظریا بقضای دوره و زمان

است و بنای دولت و ملت از پیشرفت مقاصد و حفظ استقلال

و پاس شرف خود و اوس و ما امید باشند *يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفْرَ*

پیش چو پرتو بر زمین پس ای کاین همه تندی و صلابت که اوست .

مورچکان را چو شود اتفاق شیر زیان را بد آرند پوست .

محققا گرویی که یاس دارند در عروقتان خون وطن و دوستی

دلت پرستی فزوده و خواب غفلت آنها را روده و در بستر راحت

غفوده و خبر از جانی ندارند .

بقیه دارد

قطعه

منو ملک وطن شد زهدل و داد آباد

گشود (مجلس شوری) بفتح و فیروز

عطا نمود بایران نعیم حشمت

باز روی مقدس که داشت نائل شد

پس آنکه از پی تسخیر گشود دیگر

در بخت از شه عالی تبار و پاک گهر

اگر چه رفت ز دلها نمیرود مهرش

نمیرد آنکه بجایش چو شه بود فرزند

زهی شمس که نمود اقتدا بطل خدا

بعد شاه جوان نور علم شد رخشان

یکی ز جمله آثار این خجسته زمان

بود طلوع فروزنده گوکب (آناد)

بقیه دارد

بباد کشور باروشن از چنین اختر

از رشحات قلم بندگان حضرت طالب اجل اکرم آقای حاج میرزا

موسی خان و کیل الرعایا و ام اجماله العالی

باستان دیر محترم روزنامه مقدس مبارک ازاد کرامت است

ماشین تمدن و ادسازی است و نقل مجلس محبت جهالت گدازی

است بنایم چنین آلتی را به تربیه چنین مخلوقی که ات انسان

لَقَدْ عَلَّمْنَاهُ يَا أَحْسَنَ تَقْوِيمٍ مَرْتَبَتِي بِي بَانَدَ اسْتَوِي وَ بِي جَنِينِ ذَاتِي كَمَنْ

نَفْسُهُ عَرَفَ رَبَّهُ رَاهِ نَمَاوِ نَمَانَدَه عَرْضِ مِیكَنْدَه هَمواره ازاداره

کننده چنین مخلوقات لایعده و لایحصى خوانا نمیم که این رشته

تربیت کننده بنی نوع بشر را در هر زبان و لسان که خیر خواه

ملت خویش است پاینده و برازنده نگه دارد مصوری که

بگل تکلمت و بگل جان داد هر آنچه دید سزا حکمتش باو آن

داد دو کشتی مساوی الاساس را در بحر بکی رساند باطل

و اگر بطوفان داد ترقی و تنزل هر ملک و ملت بدست مشیت ذات

الوجودی است که خدائی را سزا است جهمان را جهاندار دارد

خراب و بهانه است کاوس و افراسیاب *تَغْرِيْمُنْ تَشَاءُ*

وَيَذَلْ مَنْ تَشَاءُ بِيْدِهِ اَنْخِيزْ پس هر جانی را پسندد باوج فلک

الا علی میرساند و هر محلی را بخوابد بدرک اسفل نشاند پس هر جارا

خواهد بنور تمدن و تربیت رخشان سازد و هر سطح را جور و نکبت

جهالت و ظلمت و ذالت اندازد *فَمَهْلِكُكُمْ هُنْدَالُ* چون خاک

دل چاک چاک آسیا علی انخصوص ایران بعد از آنکه اعتلا

بعوج تمدن تمدن و ترقی و بان همه خود ستانی در اریکه علوم

که بسایر ملل کوس آنارگزم الا علی کوپان بود این روزگار زانه چار و این دهر

غور و اوارا پسندید چنین ملک نجیب با سخا که سیاه چهل نشاند از آن عوج لو

لاک چشمت خسر و خاساک افشاند .

بقیه دارد